

# رستاخیز

و برهان هایش در طبیعت

## ۳- برهان نطق و بیان

از سهل و ساده‌ترین کارهای زندگی سخن گفتن است که از همان تولد، با تقلید از نزدیکان و تکرار کلمات، آنرا فرا می‌گیریم.

همین "حرف زدن" که راحت و رایگان به نظر می‌رسد و می‌گویند هنر و هزینه‌ای ندارد! در واقع فرآورده و فرآیند شگفت‌انگیز و بسیار پیچیده‌ای است که همچون نعمات فراوان دیگر، هرگز به آن فکر نمی‌کنیم و متوجه نیستیم چه عملیات حیرت‌آوری باید انجام شود تا جمله ساده‌ای را به زبان بیاوریم.

وقتی "اراده" می‌کنیم سخنی ادا کنیم، مغزمان از مخزن عظیم اطلاعاتش، که از بدو تولد یکسره در حال جمع‌آوری و بایگانی بوده، پرونده مورد نظر را حاضر کرده با فرمان به گروه گویائی؛ از دو لب، زبان، تارهای صوتی، ریه‌ها و اعضای دیگر، اطلاعات مورد نظر را بصورت امواج صوتی به سمت گیرنده (گوش) منتقل می‌نماید. این فعل و انفعالات آنچنان سریع و بی‌وقفه انجام می‌شود که هرگز متوجه مراحل مختلف آن نمی‌شویم.

چنین عملیاتی را ما امروز، البته به مقیاس بسیار ساده‌تر و سطحی‌تر، به کمک ابزار الکترونیکی با کامپیوتر انجام می‌دهیم. حافظه کامپیوتر ما هر روز هزاران یا میلیونها علامت اطلاعاتی را بصورت فایل‌های صوتی، تصویری و ... به اشکال مختلف، با فرمان تخلیه اطلاعات در فایل‌های مجزا (Scan and save to...) ذخیره می‌کند و ما به دلخواه آنرا می‌گشاییم (Open) و ملاحظه می‌کنیم و یا در یک لحظه صدها صفحه را به دوستی در دورترین نقطه عالم ارسال (Forward) می‌کنیم. اگر هم خواستیم حجم عظیمی از اطلاعات را در مخزنی به اندازه بند انگشت (thumb-nail) با خود می‌بریم!! و این تازه اول کار است و گام‌های ابتدائی ما در عالم الکترونیک که با یک اشاره (Click) انجام می‌دهیم.

قبل از انقلاب الکترونیک در عصر اطلاعات و انفورماتیک، نسل‌های گذشته حق داشتند از این هشدار ادیان که همه گفتار و کردار و حتی پندار شما در طول زندگیتان ثبت و ضبط می‌شود و در آخرت عرضه می‌گردد، تعجب کنند و با شک و شگفتی با آن برخورد نمایند. اما نسل امروز که نگاه نوینی به نیروهای ناشناخته دیروز یافته، راحت‌تر پیام‌های الهی و وعده‌های پیامبران را درک می‌کند و به خصوص آیات و

اشارات قرآن به پدیده‌های گسترده در پهنه آفاق و انفس را عمیق‌تر می‌فهمد. از جمله همین تشبیهی که قرآن از "جزای عمل" (نتیجه و حاصل فرآیند رفتاری) به مکانیسم سخن گفتن کرده است:

ذاریات ۲۳- فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

"سوگند به پروردگار آسمان و زمین که روز جزا تحقق‌یافتنی و جدی است، درست همانطور که شما سخن می‌گوئید."

مفسرین و مترجمین قرآن، عموماً اشاره آیه فوق به "نطق و بیان" را نشانه‌ای برای اثبات "آسانی" زنده کردن مردگان در رستاخیز و رسیدگی به حساب آنها فهم کرده‌اند، در حالیکه سخن گفتن، هر چند به نظر ما آسان می‌آید، اما در حقیقت کار ساده‌ای نیست و در قرآن چنین تشبیهی نشده و در زبان عربی نیز به نظر نمی‌رسد برای بیان سهولت امری مورد استفاده قرار گرفته باشد. در حالیکه از زاویه و با نگاه دیگری، مشابهت‌های قابل توجهی میان فرآیند جزای عمل با فرآیند نطق و بیان در قلمرو علم و آیات قرآنی می‌یابیم. (۱)

محور و موضوع اصلی سوره "ذاریات" و سوگندهای مقدمه آن، تفهیم چگونگی وقوع وعده الهی، یعنی تحقق "دین" است. معنای ریشه‌ای دین در زبان عربی "جزا" و پاداش می‌باشد. به نظامات و قوانینی هم که هر کس مطابق آن جزای خیر و شر خود را می‌گیرد دین می‌گویند. به زبان ساده‌تر "یوم الدین" روزی است که هر کسی جزای عمل، یعنی نتیجه و محصول و کارنامه خود را دریافت می‌دارد.

سوگندهای مقدمه این سوره، سیری را که ذرات نادیدنی آب که در اثر تابش خورشید به سطح اقیانوس‌ها پدید می‌آیند (در تشبیه به رفتارهای روزانه ما) تعقیب کرده است. باد حاصل از اختلاف دمای جو، این ذرات ناچیز را، که در مجموع معادل وزن آب‌های جاری کل زمین است، به راحتی بر پشت خود حمل کرده و پس از پیمودن هزاران فرسنگ، محصول همکاری ابر و باد و مه و خورشید و فلک را، به صورت باران، که همان "دین" یعنی جزاء و محصول عوامل دست‌اندرکار است، تحویل زمین‌های تشنه می‌دهد.

با ذکر مثال فوق، که به شکل سوگند برای جلب توجه بندگان بیان شده است، نتیجه می‌گیرد:

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ. (۲)

مسئلاً و بی‌تردید آنچه وعده داده شده‌اید (قیامت) واقع‌شدنی است و قطعاً "دین" (جزای عمل) راست است.

آنگاه از اینکه به رغم مشاهده این جریانات روزمره، کسانی با نادیده گرفتن آیات خدا در طبیعت و ناباوری نسبت به روز جزا با استفهام انکاری می‌پرسند: روز دین کی خواهد بود؟ ( یَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ ) (۳) نشانه دیگری برای فهم مسئله تحقق عمل در آخرت، از وجود خودمان، یعنی همان مکانیسم سخن گفتن مطرح می‌سازد که اگر دقت کنیم از نظر علمی و طرز عمل (Process) بسیار شبیه فرآیند تشکیل باران است. (۴)

در واقع با تشبیهات و تمثیلات این سوره، که در دو عالم: آفاق (آسمانها و زمین)، و انفس (وجود خودمان) ارائه شده است، یعنی روند (Procedure) تشکیل باران و سخن گفتن، ما را به فهم فرآیند عمل در آخرت آشنا می‌کند.

جالب اینکه عارفان نیز بعضاً مشابهت‌هایی بین جریان آب و نطق آدمی دیده‌اند. از جمله:

تا به قرنی بعد ما آبی رسد	هین بگو که ناطقه جو می‌کند
لیک گفت سالفان یاری بُود (۵)	گر چه هر قرنی سخن آری بُود

ما از سلسله عواملی که سخن گفتن را میسر می‌سازد، فقط حرکات آشکار "لب و دهان" را مشاهده می‌کنیم (۶) و از بقیه غافل هستیم. همین را هم اغلب فراموش می‌کنیم که مرهون موهبت الهی هستیم. نگاه کنید به هشدار قرآن به غافلان از نعمت‌های بینائی و گویائی:

بلد ۸ و ۹- أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ  
آیا ما برای او دو چشم و زبان و دو لب قرار نداده‌ایم؟

این ناطقه همان نعمتی است که به قول مولوی از جهان هستی شگفت آورتر است:

نطق اسطرلاب باشد در حساب	چه قدر داند ز چرخ و آفتاب
خاصه چرخ کاین فلک زو پرده‌ای است	آفتاب از آفتابش ذره‌ای است (۷)

آیا توجه کرده‌اید، خداوند رحمت گستر، آنگاه که در سوره "رحمن" آثار عام و خاص رحمت خود را سلسله‌وار به سمع و نظر بندگان می‌رساند، توانائی "قرائت" و "بیان" (تبیین مسائل از طریق زبان) را در صدر نعمت‌های خود قرار داده است؟

رحمن، خواندن را آموخت، انسان را آفرید، به او بیان را آموزش داد

(۱) نویسنده این سطور چنین فهم و برداشتی را مدیون مرحوم مهندس عباس تاج و توضیحات ایشان در

کلاس تفسیر قرآن انجمن اسلامی مهندسين می باشد

(۲) ذاریات ۵ و ۶

(۳) ذاریات ۱۲

(۴) از چند جهت: ۱- جمع شدن ذرات آب با جمع شدن اطلاعات در حافظه، ۲- حمل میلیونها تن آب بر پشت باد با حمل و ذخیره میلیونها علامت و اطلاعات در حافظه مغز، ۳- جریان آسان آب در اوج آسمانها با جریان آسان اطلاعات در مغز، ۴- نزول باران در زمینهای تشنه با نزول اطلاعات و قابل بهره برداری کردن آن در سخن گفتن.

(۵) مثنوی مولوی دفتر سوم بیت ۲۵۴۰

(۶) همانطور که ذکر گردید، بیشتر مردم سخن گفتن را کار همان لب و دهان می دانند و کمتر به مکانیسم شکل گیری الفاظ توجه دارند، در حالیکه به سخن حکیمانه حضرت علی:

الا و ان اللسان بضعه من الانسان لا يسعده القول اذا امتنع و لا يمهلله النطق اذا اتسع  
و انا لامراء الكلام و فيناتنشب عروقه و علينا تهدلت غصونه (نهج البلاغه خطبه ۲۳۴/۲۲۵)

"زبان پاره‌ای است از وجود انسان که اگر او را توانائی (دانش و تجربه) سخن گفتن نباشد، زبان او را یاری نکند و اگر توانا باشد نطق مهلتش نمی‌دهد و جاری می‌شود. ما امیران سخنییم و سخن در ما ریشه دارد و شاخه‌هایش بر ما سایه افکن شده است."

(۷) مثنوی مولوی دفتر ۲ بیت ۳۰۲۷